

# جنبه‌های اقتصادی مبادلات مرزی

خسرو نورمحمدی

## مقدمه

عمل می‌کردند. این گروه پس از پیروزی انقلاب و بروز زمینه‌های مساعد، فعالیت بیشتری نموده و سازمان مرکزی تعاون، در سال ۱۳۶۱ آنان را در قالب تعاونیهای مرز نشین سازماندهی نمود.

- پيله‌وران نیز گروهی از مرز نشینان محسوب شده، که شغل اصلی آنها تجارت می‌باشد. البته نقش پيله‌وران به دلیل ماهیت تجاری فعالیتشان، از نظر اقتصادی مهمتر بوده و حجم مبادلات قانونی آنان نیز، به مراتب بیشتر از مرز نشینان می‌باشد. به همین دلیل نیز سعی بر این بوده، تا پيله‌وران به سمت فعالیت‌های بازرگانی نزدیکتر با زنجیره تولید حرکت نمایند.

در حال مشخص است، که اهداف عمده اعطاء تسهیلات مبادلات مرزی، ایجاد اشتغال برای پيله‌وران و درآمدی حاشیه‌ای برای مرز نشینان جهت نگهداشت جمعیت مناطق مرزی و اخذ نتایج مثبت تبعی می‌باشد. البته مسئله را می‌توان به نوعی دیگر نیز، مورد بررسی قرار داد.

ساکنین مناطق مرزی از گذشته‌های بسیار دور و مشخصاً از زمان تأسیس گمرک در ایران، همواره به عنوان گروهی متمایز از دیگر عوامل بازرگانی خارجی مطرح بوده‌اند. دلایل این تمایز را می‌توان، در اثرات مثبت اجتماعی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی این گروه، بر مناطق مرزی و نهایتاً کشور دانست. و شواهد نشان داده است، که هرگاه تسهیلات و حمایتها به اهالی این مناطق به هرنحو کاهش یافته، بلافاصله این امر اثرات منفی خود را به صورت مهاجرت و تخلیه مناطق فوق، رواج امر قاچاق کالا (و حتی مواد مخدر) و سایر اثرات تبعی، گذاشته است.

عوامل مبادلات مرزی شامل دو گروه مرز نشینان (ویا تعاونیهای مرز نشین) و پيله‌وران به شرح زیر می‌گردد:

- مرز نشینان در قبل از انقلاب و همچنین تا سال ۱۳۶۱ به صورت انفرادی

باید توجه نمود، که برخی از استانهای مرزی، به لحاظ وضعیت کلی اقتصادی، خصوصاً در بخشهای صنعت و کشاورزی، در سطح استانهای دیگر قرار دارند. با چنین وضعیتی، استراتژی کلان توسعه این استانها، بایستی براساس حداکثر استفاده از امکانات موجود باشد. با پیروی از این استراتژی در کوتاهمدت و میانمدت، اقدامات و فعالیتهای هر استان در جهت توسعه به سمت زمینههایی سوق پیدا خواهد کرد، که به نسبت سایر بخشهای اقتصادی-اجتماعی از آمادگی و تجهیز بیشتری برخوردارند و گسترش و تقویت آنها قادر است نقش پیشرو را برای سایر بخشها ایفا نموده و برخی از مسائل و معضلات استان را حل نماید. بخش بازرگانی استانهای مرزی خصوصاً "گروه مرزنشینان و پيله‌وران، به علت پتانسیل سودآوری آن و سابقه دادوستد مردم آن با کشورهای همجوار، از جمله بارزترین این بخشهاست، که با تقویت و توسعه آن، می توان برخی از مشکلات استان را حل نموده و تقویت سایر بخشها را در یک افق بلندمدت، در جهت رشد و توسعه استانهای مرزی فراهم نمود.<sup>۱</sup>

استراتژی کلی بخش بازرگانی و سیاستهای صادراتی در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و مطمئناً در برنامه دوم نیز به نظر می رسد، که با

اهداف مبادلات مرزی هم سوئی کامل داشته باشد. برای مثال حمایت، پشتیبانی و ایجاد تسهیلات برای تعاونیهای بازرگانی صادراتی و حمایت از ایجاد ارزش افزوده داخلی بیشتر، و توجه به مسائل آماده سازی و بسته بندی کالا و سایر موارد، خصوصاً ایجاد امکانات و تسهیلات صادراتی (گمرک، بانک، دفتر استاندارد و...) در استانهای مرزی که در برنامه منظور گردیده است، مطمئناً می تواند چهره مبادلات مرزی را متحول سازد.<sup>۲</sup>

**با حذف اقلام پسته، کشمش و زعفران از کالاهای مجاز صادراتی تعاونیهای مرزی، و حذف پسته، پوست، سالامبور، و فرش از کالاهای مجاز صادراتی پيله‌وران، فعالیت این دو گروه دچار رکود شدید شده است.**

در یک دید کلی مرزنشینان و پيله‌وران با اعمال تسهیلاتی برای ورود و خروج کالا و رفع مشکلاتشان، می توانند علاوه بر نظم بخشیدن به واردات و صادرات غیرمجاز فعلی، در بسیاری از نقاط مرزی (اعم از مواد مخدر و کالای قاچاق) ارزش افزوده حاصله را نصیب خود نمایند. که این عامل به نوبه خود در افزایش درآمد، ایجاد اشتغال سالم، جلوگیری از مهاجرت و جلب رده های پایین اعضاء حمل و توزیع مواد

مخدر، مؤثر خواهد افتاد.<sup>۳</sup> از سوی دیگر با اعطاء تسهیلات ویژه، جهت استقرار بخشهای تولیدی در استان و با مشارکت سالم و فعال بخش خصوصی و کمک بخش دولتی به تدریج زمینه‌های صادراتی در استان بیشتر می‌گردد. و تجهیز این گروه میلیونی از یک سو باعث رشد و توسعه صادرات به کشورهای همجوار (در وهله اول) و انگیزه‌ای قوی جهت افزایش کیفی و کمی تولید داخلی شده و از سوی دیگر با وارداتی که این گروه انجام می‌دهند، مسلماً انگیزه‌ای مثبت در جهت رقابت سالم تولیدات داخلی با تولیدات خارجی فراهم می‌گردد. که این قسمت مربوطه می‌تواند در راستای سیاست آزادسازی دولت در جهت سالم‌سازی متغیر قیمت به‌عنوان مهمترین رکن یک نظام اقتصادی قرار گیرد.

## تعاونیهای مرزی

### الف - قبل از انقلاب:

نظری بر تاریخچه قوانین و مقررات صادراتی کشور بیانگر آن است، که از اولین سالهای به‌نظم درآمدن فعالیتهای بازرگانی خارجی در ایران، ساکنین مناطق مرزی، همیشه به‌عنوان گروهی جدا از دیگر عوامل بازرگانی کشور مطرح بوده‌اند، و تسهیلاتی بیش از سایرین در اختیار داشته‌اند. اصولاً علت برقراری این‌گونه تسهیلات برای

ساکنین نقاط مرزی با هدف رفع نیازهای مردم و جلوگیری از قاچاق و تخلیه مناطق مرزی بوده است. برای مثال در منطقه بوشهر از زمان حکومت قاجار که ایران به صورت ملوک‌الطوایفی اداره می‌شد، خوانین و حکام برای ورود و خروج کالا عوارض کمتری دریافت می‌نمودند و بدین طریق مرزنشینان با صدور اقلامی چون: گندم، جو و سایر دانه‌های خوراکی، دام و محصولات دامی، برخی از نیازهای کشورهای حاشیه خلیج فارس، و همچنین برخی مایحتاج خود را از آنها تأمین می‌نمودند.<sup>۴</sup>

پس از اینکه برای اولین بار در ایران گمرک توسط بلژیکیها تأسیس شد، آنان نیز برای مرزنشینان امتیازاتی قائل شدند و بر همین اساس به هر نفر اجازه داده شد کالاهایی مانند: دام زنده، علوفه و غلات را به میزان ۱۰۰۰ ریال به خارج صادر نماید که این مبلغ بعدها به ۱۵۰۰ ریال افزایش یافت. در آن هنگام حتی به کالاهایی نظیر: چای، برنج و پارچه که واردات آنها نیز در انحصار دولت بود توسط مرزنشینان اجازه ورود داده می‌شد.<sup>۵</sup>

این امتیازات برای مرزنشینان ادامه داشت، تا اینکه براساس لایحه قانون تشویق صادرات و صدور پروانه مصوب سال ۱۳۳۱، درحالی که اقدام به صدور کالا منوط به اخذ پروانه تجارت خارجی بود، ساکنین مناطق مرزی از داشتن پروانه

تجارت خارجی، در صورتی که ارزش صادرات آنان کمتر از یکصد هزار ریال بود، معاف بودند. و نیز کالاهایی که ساکنین مناطق مرزی به طور مبادله مرزی از کشورهای همجوار وارد می نمودند، از پرداخت عوارض یک درهزار تشویق صادرات معاف بودند.

به مرور زمان این تسهیلات افزایش یافت، تا آنکه در بیست و یک بهمن ماه سال ۱۳۴۴ فعالیت این گروه تحت عنوان قانون مبادلات مرزی به تصویب هیئت دولت رسید، که براین اساس نواحی مرزی به سه منطقه درجه یک (جزایر خارک، کیش، ابوموسی، هندوراس و لاوان)، دو (جزایر قشم، هرمز، هنگام، تنب بزرگ و کوچک و آبادیهای متصل به مرز سواحل خلیج فارس و عمان از بندر دلم تا گواتر، همچنین از گواتر تا زابل و شهر مهران) و سه (آبادیهای متصل به مرز و جزایری که در مناطق ۱ و ۲ نبوده اند) به ترتیب با امتیازات بیشتر مبادلاتی تقسیم گردیدند.

البته ترتیب استفاده از قانون مبادلات مرزی به این صورت بود، که هر ساله برای اشخاصی که مشمول قانون فوق می شدند، کارت مرزنشینان صادر می گردید. ولی از آنجا که در گذشته عرضه و ورود کالا به صورت آزاد و توسط منابع مختلف به وفور انجام می شد و از طرفی اختلاف بین نرخ رسمی ارز و نرخ آزاد آن وجود نداشت

و لذا سودی عاید آنها نمی گردید، استفاده چندانی از این قانون به عمل نمی آمد؛ لذا معمولاً در هر منطقه، چند نفر این کارتها را با قیمتهای نازل خریداری نموده و از آن استفاده می کردند. بنابراین در بیشتر موارد زمینه سوءاستفاده و اقدامات ناسالم تجاری و بازرگانی را، در مناطق مشمول این مقررات فراهم می آوردند.<sup>۱</sup> به دلیل اینکه مرزنشینان در قبل از انقلاب و تا سال ۱۳۶۱ به صورت انفرادی عمل می کردند، لذا، از عملکرد آنها طی این دوره اطلاعی در دست نیست.

#### ب - بعد از انقلاب:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بروز پاره ای از مشکلات اقتصادی مانند: محاصره اقتصادی، جنگ تحمیلی، محدودیت واردات، افزایش قیمتها و چندنرخ شدن ارز و کمبود کالاها زمینه مساعدی برای استفاده مرزنشینان، از مقررات مبادلات مرزی فراهم گردید. ولی بازهم افراد مرزنشین به دلیل مشکلاتی همچون عدم تجربه و تمکن مالی و همچنین عدم آشنایی با بازارهای خارجی و اطلاع از نظامات قیمت، کارتهای خود را در قبال مبالغی به افراد دیگر واگذار می نمودند، تا اینکه در سال ۱۳۶۱ سازمان مرکزی تعاون کشور به جهت سازماندهی افراد مرزنشین تصمیم به تشکیل تعاونیهای

هرمزگان، سیستان و بلوچستان، فارس و خوزستان شکل گرفتند به طوری که بخش اعظم آنها در فاصله ۳۰ کیلومتری مرز و ساحل قرار دارند. جدول ۱ نشان می‌دهد که در حال حاضر در استانهای هرمزگان، سیستان و بلوچستان، بوشهر، خوزستان و فارس جمعاً تعداد ۷۸ شرکت تعاونی مرزی با ۲۹۳۹۸۸ نفر خانوار (۱۵۲۴۸۱۲ عضو) عضو شرکتهای تعاونی می‌باشند. استان بوشهر و استان هرمزگان هرکدام با تشکیل ۲۱ تعاونی مرزی بالاترین و استان فارس با تشکیل ۸ شرکت تعاونی مرزی کمترین تعاونی را تشکیل داده‌اند. از نظر تعداد اعضاء شرکتهای تعاونی، سهم استان بوشهر ۳۳ درصد (بیشترین) و سهم استان فارس ۷ درصد (کمترین) می‌باشد.

مرزی گرفت. هدفهای اصلی تشکیل این تعاونیها شامل موارد زیر بود:<sup>۷</sup>

- امکان استفاده بهتر، از مبادلات مرزی برای مرزنشینان و توزیع صحیح کالا
- سوق دادن مرزنشینان از قاجاق به سمت یک فعالیت سالم و مثبت
- شکستن بازار سیاه مواد غذایی و کالاهای ضروری در مناطق فوق
- کم کردن مشکلات دولت در شرایط فعلی، در زمینه رساندن مواد غذایی و لوازم مختلف زندگی به مرزنشینان
- جلوگیری از مهاجرت ساکنین این مناطق

- بهبود وضع مردم منطقه از طریق تأمین درآمد برای آنان
- براین اساس تعاونیهای مرزی ابتدا در مناطق محروم استان بوشهر و سپس

جدول ۱: سهم و تعداد، تعداد اعضاء و افراد تحت تکفل شرکتهای تعاونی مرزنشینان در استانهای جنوبی (۱۳۷۰)

ردیف	استان	تعداد تعاونیهای مرزنشین	درصد	تعداد اعضاء (خانوار)	درصد	تعداد افراد تحت تکفل	درصد
۱	استان هرمزگان	۲۱	۲۷	۶۱۵۱۱	۲۱	۳۳۲۳۶۳	۲۲
۲	استان بوشهر	۲۱	۲۷	۱۰۱۰۱۷	۳۳	۵۰۵۱۳۴	۳۳
۳	استان خوزستان	۹	۱۰	۳۷۱۲۱	۱۳	۲۱۴۲۶۳	۱۴
۴	استان فارس	۸	۱۲	۱۹۳۱۶	۷	۹۷۹۳۷	۶
۵	سیستان و بلوچستان	۱۹	۲۴	۷۵۰۲۳	۲۶	۳۷۵۱۱۵	۲۵
	جمع	۷۸	۱۰۰	۲۹۳۹۸۸	۱۰۰	۱۵۲۴۸۱۲	۱۰۰

مأخذ: ادارات کل تعاون استانهای جنوبی.

براساس ارزش گمرکی، ارزش هر کیلو صادرات و واردات پیلهوری به ترتیب ۲۴/۵ و ۱۴ ریال بوده است.

## پیلهوران

یکی از گروه‌هایی که در چارچوب قوانین مبادلات مرزی، می‌توانند اقدام به امر صادرات و واردات نمایند، پیلهوران هستند. پیلهوران اساساً "گروهی از مرزنشینان هستند، که حرفه و شغل اصلی آنها کسب و تجارت می‌باشد؛ البته پیلهوری به لحاظ قانونی، شامل شرایط دیگری نیز می‌باشد، که مشروحا" آورده خواهد شد.

به منظور اسکان جمعیت مرزنشین و تثبیت مسائل امنیتی، سیاسی، اجتماعی، دفاعی و اقتصادی استانهای مرزی، در نظر گرفتن نقشی برای مرزنشینان و خصوصاً پیلهوران، که تجارت شغل و حرفه اصلی آنان می‌باشد، همیشه دارای اهمیت بوده و لذا مدنظر دولت قرار داشته است. همچنین توجه به طول مرز آبی جنوب به میزان ۱۸۸۰ کیلومتر و مرز خاکی شرق به میزان ۱۷۱۶ کیلومتر و مرز غرب کشور به میزان ۱۸۲۴ کیلومتر روشنگر این واقعیت است، که اولاً، کنترل این مرزها با توجه به شرایط خاص اقلیمی، با یکدیگر متفاوت است و ثانیاً "تأمین امنیت آنها از دید نظامی و

انتظامی و اقتصادی بدون اتکاء به مساعدت مرزنشینان، امری مشکل می‌باشد.

بنابراین در جهت تأمین اهداف تشکیل پیلهوری، طی مصوبه هیئت وزیران به شماره ۴۲۹۲/مورخ ۱۳۴۵/۵/۱۲ مقررات صدور و ورود کالا توسط این دسته از مرزنشینان از طریق معاملات پایاپای مرزی با احراز شرایط و نصابهایی مجاز گردید.

البته به دلیل عدم سودآوری و یا سودآوری کم این گونه مبادلات در قبال از انقلاب، به دلیل شرایط اقتصادی کشور، این گروه معمولاً از این تسهیلات استفاده نکرده و یا کارتهای خود را در اختیار دیگران می‌گذاشته‌اند. لذا به همین دلیل و عدم وجود یک سازمان مرکزی نظارت، آمار و اطلاعاتی از نحوه عملکرد آنان در قبال از انقلاب وجود ندارد.

بعد از انقلاب با توجه به شرایط ایجاد شده و لزوم استفاده صحیح از پیلهوران، هیئت دولت تصویب نامه شماره ۸۱-۳۱-۶۰۷/م مورخ ۶۳/۴/۲۳ و اصلاحیه آن را به جهت مشخص نمودن شرایط صدور کارت و نحوه معاملات پیلهوری به تصویب رساند. برخی از این موارد به شرح زیر می‌باشد<sup>۸</sup>.

۱- سوداگر و پیلهور متقاضی کارت معاملات پایاپای مرزی، باید حداقل از پنج سال قبل از تقاضا، در منطقه مرزی محل فعالیت خود سکونت داشته باشد.

۲- دارای اهلیت مندرج در ماده ۲۱۱ قانون مدنی برای خرید و فروش کالا باشد.  
۳- در داخل کشور، حداقل دوسال سابقه خرید و فروش کالا داشته باشد.  
۴- دارای کارت ملوانی نبوده و کارمند دولت نیز نباشد.

۵- دارای پیمان یا تعهد ارزی مهلت منقضی واریز نشده، نباشد.

۶- سوداگران و پيله‌وران مرزنشین، می‌توانند کالاهای سنتی و محصولات صنایع دستی را، که صدور آنها مجاز است و یا با صدور آنها موافقت کلی اعلام شده، صادر نمایند.

تبصره: صدور کالاهای مشروط، منوط به کسب مجوزهای لازم است.

۷- سوداگران و پيله‌وران مرزنشین می‌توانند، در مقابل صادرات خود، کالاهای مجاز و مجاز مشروط ضروری برای کشور را، با کسب مجوز قبلی از اداره بازرگانی محل، که پس از هماهنگی با ادارات تابعه وزارتخانه‌های صادرکننده مجوز ورود، و مرکز تهیه و توزیع مربوطه صادر می‌گردد، وارد نمایند.

هر پيله‌ور فقط از طریق گمرک مستقر در استان خودش، می‌تواند به امر صادرات و واردات کالا با رعایت مقررات مربوطه اقدام نماید. برای این منظور فقط گمرکات بسندرعباس و لنگه در استان هرمزگان، زاهدان و چابهار در سیستان و بلوچستان،

بوشهر در استان بوشهر، بندر امام خمینی در خوزستان، و بازرگان و ارومیه در آذربایجان غربی، جهت امور پيله‌وری استانهای مزبور در نظر گرفته شده‌اند. پيله‌وران استانهای ساحلی می‌توانند به کشورهای جنوبی حوزه خلیج فارس، و پيله‌وران آذربایجان غربی به ترکیه، و پيله‌وران سیستان و بلوچستان به پاکستان و کشورهای غربی کالا صادر نموده و از همان کشورها در مقابل صادرات خود با رعایت ضوابط تعیین شده، کالا وارد نمایند. (در سال ۱۳۶۹ برای استانهای خراسان، مازندران و گیلان نیز جهت صدور کالا به جماهیر تازه استقلال یافته، کارت پيله‌وری با شرایط دیگری صادر شده است.)

کالاهای پيله‌وران در گذشته مشمول مقررات توزیع و قیمت‌گذاری بوده و کسب ارائه مجوز ترخیص از اداره کل بازرگانی استان، الزامی بوده است. سقف مبادلات آنها در هر سال بسته به هر استان بین ۲۰۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ ریال بوده که در هر نوبت مجاز به مبادله ۵۰۰۰۰۰ ریال بوده‌اند.<sup>۹</sup>

پيله‌وران طی سالهای گذشته به دلایلی از قبیل: مشکلات بازاریابی، عدم اطلاع دقیق از نظامات قیمت بازارهای مقصد، محدود بودن اقلام صادراتی، و مسائلی که منجر به افزایش هزینه‌های مبادلاتی آنان گردیده به سمت واردات بدون انتقال ارز

رفته و بعضاً" نیز برخلاف قانون کارتهای خود را در اختیار تجار و شرکتهای دیگر قرار داده‌اند. البته ادارات کل بازرگانی استانها برخی خدمات جنبی مورد نیاز، از قبیل، ارائه قیمت‌های محصولات صادراتی در بازارهای مقصد، وامور بازاریابی و هدایت و ارشاد پبله‌وران را به عهده داشته‌اند.

### عملکرد تعاونیهای مرزنشین

در این قسمت به بررسی عملکرد تعاونیهای مرزنشین طی سالهای ۱۳۶۵-۷۰ پرداخته می‌شود.

همان‌طور که از جدول ۱ مشخص گردید، تعداد اعضاء مرزنشین در سال ۱۳۷۰ حدود ۱/۵ میلیون نفر می‌باشد. ولی علی‌رغم این پتانسیل حجم مبادلات تحقق یافته نسبت به حجم مبادلات بالقوه آنان بسیار پایین می‌باشد. البته از چگونگی فعالیتهای این گروه در قبل از انقلاب به دلیل عملکرد انفرادی آنان هیچ‌گونه اطلاعی در دست نیست و پس از انقلاب نیز، تنها از سال ۱۳۶۱ به بعد آمار مبادلات برخی از تعاونیهای مرزی موجود می‌باشد. و در نهایت بررسی عملکرد مرزنشینان، عمدتاً طی سالهای ۱۳۶۵-۷۰، که آمار آن موجود بوده، صورت گرفته است.

در حال حاضر در استانهای هرمزگان، سیستان و بلوچستان، بوشهر، خوزستان و

فارس جمعا" تعداد ۷۸ شرکت تعاونی مرزنشین با ۲۹۳۹۸۸ خانوار و یا ۱۵۲۴۸۱۲ نفر عضو، وجود دارند. استان بوشهر و هرمزگان هر کدام با تشکیل ۲۱ تعاونی مرزی، بالاترین و استان فارس با تشکیل ۸ شرکت تعاونی کمترین، تعاونی را تشکیل داده‌اند. از نظر تعداد اعضاء شرکتهای تعاونی، سهم استان بوشهر با ۳۳ درصد بیشترین و سهم استان فارس با ۷ درصد کمترین بوده است.

آنچه که در مورد تعاونیهای مرزنشین صادق می‌باشد، این است که حجم مبادلات آنان از بدو تشکیل تا سال ۱۳۶۶ معمولاً حاکی از روندی افزایشی بوده است، علت اصلی این امر را می‌توان در اضافه شدن تعداد تعاونیها و اعضاء آنان و با اطلاع افزایش توان مبادلاتی و همچنین تسهیلات اعطای بیشتر به آنها، که امکان صدور کالاهای داخلی را در مقابل ورود کالاهای اساسی مورد نیاز بدون منع قانونی فراهم آورده بود، برشمرد. ولی در سال ۱۳۶۶ با حذف اقلام پسته، کشمش و زعفران، که مانور اصلی صادرات تعاونیها بر آنها استوار بوده، صادرات این گروه برای سال ۱۳۶۷ دچار رکود شدید گردیده است<sup>۱۰</sup> و از ۸ میلیارد به ۳ میلیارد ریال یعنی به میزان ۶۲/۵ درصد کاهش یافته است. (جدول ۲ و نمودار ۱). متعاقباً کاهش میزان صادرات و عواید آن، اثر خود را در کاهش واردات از



جدول ۲- ارزش واردات و صادرات تعاونیهای مرزنشین طی سالهای ۱۳۶۵-۷۰

واردات	صادرات	سال
۵۵۷۶۷۸۶۸۴۷	۷۰۵۳۷۳۶۸۵۷	۱۳۶۵
۴۱۶۹۲۱۶۱۰۰۴	۸۳۰۶۱۸۲۵۱۵	۱۳۶۶
۳۰۵۰۷۴۶۶۵۰۷	۳۱۹۵۱۷۴۲۶۷	۱۳۶۷
۳۸۷۲۵۵۲۱۵۴۶	۵۹۰۳۲۷۵۱۵۶	۱۳۶۸
۳۴۷۸۸۰۳۲۴۱۱	۳۴۰۷۵۳۳۳۰۵	۱۳۶۹
۱۱۴۱۹۷۵۸۶۳۵	۱۰۸۱۳۶۳۶۰۶	۱۳۷۰
۱۶۲۷۰۹۷۲۶۹۵۰	۲۸۹۴۷۲۶۵۷۰۶	جمع

مأخذ: وزارت تعاون

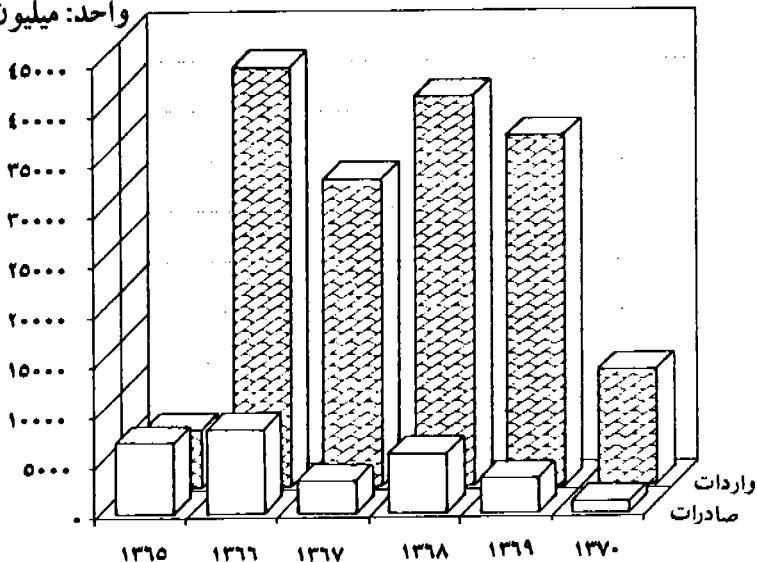
جدول ۳- ارزش صادرات و واردات تعاونیهای مرزنشین طی سالهای ۱۳۶۵-۱۳۷۰

سیستان و بلوچستان		هرمزگان		فارس		سال
واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	
۱۰۴۹۴۴۴۸۰۰	۸۸۵۰۵۷۵۱۳	۱۷۴۸۰۱۲۸۱۸	۴۳۴۴۳۶۳۰۰۰	۰	۰	۱۳۶۵
۴۳۸۹۵۲۲۸۰۳	۶۳۹۹۳۲۴۶۴	۶۵۹۶۸۳۳۴۷۲	۳۷۲۶۶۴۷۷۰۷	۱۸۹۱۶۸۹۴۷	۴۵۱۰۵۳۸۵۲	۱۳۶۶
۳۱۵۸۶۶۹۳۴۹	...	۱-۶۲۵۳-۷۴۳۶	۸۶۷۸۹۷۲۰۳	۱۱۸۲۲۱۸۱-۷	۱۰۲۶۳۹۷۴۹۶	۱۳۶۷
۴۱۸۰۴۷۲۶۰۰	۹۰۲۷۰۰۰۰	۸۹۹۸۸۴۷۶۷۶	۹۹۰۱۱۰۲۷۴	۱۱۱۴۳۷۸۵۵۱	۸۳۳۲۴۸۰۳۲	۱۳۶۸
۳۷۴۹۵۱۱۷۵۸	۱۰۰۱۴۵۰۰۰	۹۲۱۳۶۱۲۸۸۵	۱۱۱۸۱۶۷۷۵۱	۱۲۱۵۳۸۵۰۱۴	۳۱۶۵۰۶۱۰	۱۳۶۹
...	...	۶۱۶۱۴۳۲۲۶۰	۸۲۸۰۱۶۹۴۸	۵۴۹۶۴۰۹۰۶	۰	۱۳۷۰
۱۶۵۱۷۶۲۱۳۱۰	۱۷۱۵۴۰۴۹۷۷	۴۳۳۴۴۰۴۶۵۴۷	۱۱۸۷۵۲۰۲۸۸۳	۴۲۵۰۷۹۱۵۲۵	۲۳۴۲۳۴۹۹۹۰	جمع
بو شهر		خوزستان				سال
واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	
۲۶۱۳۵۱۹۵۹۵	۱۷۶۳۴۵۲۹۸۲	۱۶۵۸۰۹۶۳۴	۶۰۸۶۳۳۶۲			۱۱۳۶۵
۳۰۲۸۹۱۹۲۷۴۷	۲۹۹۲۱۹۶۶۲۷	۲۷۴۴۴۳۰۳۵	۴۹۳۵۱۸۶۵			۱۳۶۶
۱۴۰۵۷۱۳۳۴۶۲	۶۸۷۷۷۰۴۶۰	۱۴۸۴۱۳۸۱۵۳	۶۱۳۱۰۹۱۰۸			۱۳۶۷
۲۲۳۸۷۳۵۱۸۱۳	۳۲۶۰۲۸۳۲۲۶	۲۰۴۴۴۷۰۹۰۶	۷۲۹۳۶۳۶۲۴			۱۳۶۸
۱۷۸۲۲۸۵۱۴۴۶	۲۱۳۱۱۷۷۴۴۴	۲۷۸۶۶۷۱۳۰۸	۲۶۳۹۲۵۰۰			۱۳۶۹
۱۶۹۲۰۱۴۹۱۶	۴۷۰۱۶۵۸	۳۰۱۶۶۷۰۵۵۳	۲۴۸۶۴۵۰۰۰			۱۳۷۰
۸۸۸۶۲۰۶۳۹۷۹	۱۰۸۳۹۵۸۲۳۹۷	۹۷۲۵۲۰۳۵۸۹	۲۱۷۴۷۲۵۴۵۹			جمع

مأخذ: ادارات کل تعاون استانهای فوق الذکر - وزارت تعاون

## نمودار ۱- ارزش واردات و صادرات تعاونیهای مرزنشین طی سالهای ۱۳۶۵-۷۰

واحد: میلیون ریال



مأخذ: جدول ۲.

میزان خود یعنی حدود یک میلیارد ریال تنزل یافته است. همچنین روند واردات نیز دقیقاً هم جهت با روند صادرات تعاونیهای مرزنشین بوده است؛ به طوری که همان روند نزولی را طی نموده و در سال ۷۰ با رقمی حدود ۱۱ میلیارد ریال کمترین میزان واردات در سالهای فوق بوده است. واضح است، که عملکرد کنونی مبادلات تعاونی مرزنشینان در سال ۱۳۷۰ نشان دهنده رکود فعالیتهای آنان بوده و ادامه این روند متعجبانه از بین رفتن عملکرد صادراتی و نیز

۴۱ میلیارد به ۳۰ میلیارد یعنی برابر ۲۶ درصد کاهش، نشان داده است. این مطلب بیانگر رابطه مستقیم میان صادرات و واردات به جهت تأمین مقداری از ارزش واردات، از طریق درآمد صادراتی مرزنشینان می باشد.

همچنین طبق نمودار ۱، که نشان دهنده ارزش واردات و صادرات تعاونیهای مرزنشین، طی سالهای ۱۳۶۵-۷۰ می باشد، ارزش کالاهای صادراتی تقریباً روندی نزولی داشته و در سال ۱۳۷۰ به کمترین

• آمار صادرات و واردات سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۷۰ موجود نبوده است.

میلیارد ریال، به ترتیب بالاترین و پایینترین میزان تراز منفی را داشته‌اند. همچنین بیشترین میزان صادرات طی سالهای فوق، توسط استان هرمزگان به ارزش ۱۱/۸ میلیارد ریال، و پایینترین توسط سیستان و بلوچستان با ۱/۷ میلیارد ریال انجام شده است.

**شواهد سالهای گذشته نشان می‌دهد، که هرگاه تسهیلات و حمایتها، از اهالی مناطق مرزی کاهش یافته، بلافاصله اثرات متعدد منفی اقتصادی-اجتماعی، در مناطق فوق بروز نموده است.**

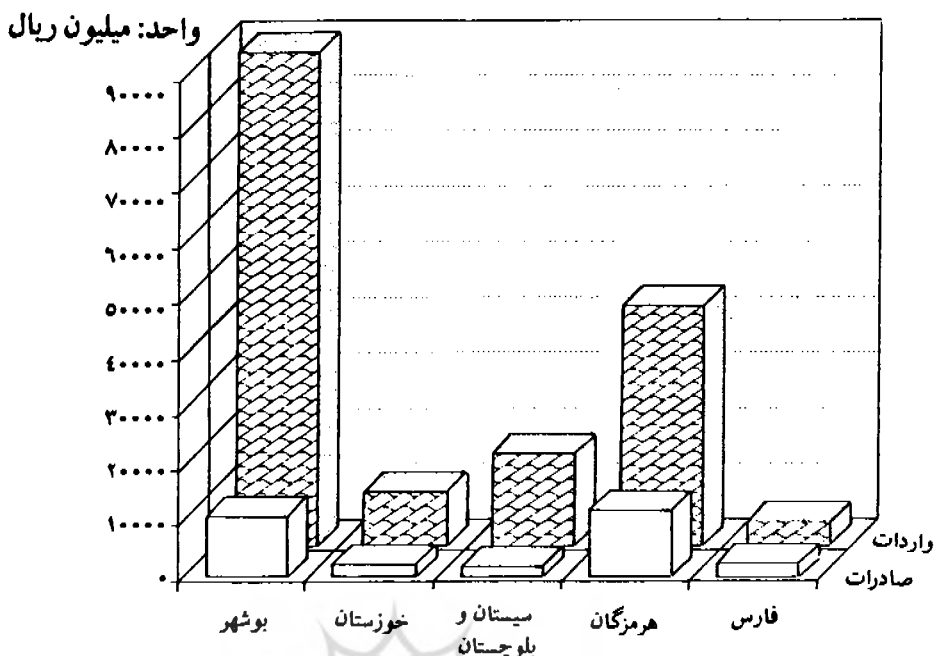
حال علی‌رغم اینکه استان بوشهر، بیشترین واردات را به ارزش ۸۸/۸ میلیارد ریال، در بین استانهای مرزی داشته است، ولی صادرات این استان کمتر از استان هرمزگان است. استان بوشهر در این سالها به تنهایی ۵۴/۶ درصد واردات و تنها ۴۰ درصد صادرات تعاونیهای مرزی را به خود اختصاص داده است.

از بررسی روند مبادلات تعاونیهای مرزنشین، می‌توان مشاهده نمود، که عملکرد مبادلاتی استانهای فوق، بیشتر متأثر از موقعیت هر استان و میزان هزینه‌های حمل و نقل می‌باشد. برای مثال

ضعیفتر شدن عملکرد وارداتی آنان خواهد شد.

جدول ۲ می‌تواند نشان‌دهنده درصد ارزش واردات و صادرات تعاونیهای مرزنشین طی سالهای ۱۳۶۵-۷۰ باشد. براین اساس ۱۵/۲ درصد از حجم مبادلات تعاونیهای مرزنشینان به صادرات، و ۸۴/۸ درصد آن به واردات، اختصاص داشته است. به بیان دیگر میزان صادرات ۲۹ میلیارد ریال و واردات برابر با ۱۶۲ میلیارد ریال بوده است؛ که واردات طی سالهای فوق ۵/۵ برابر صادرات بوده است.

همچنین نمودار ۱ نشان‌دهنده ارزش واردات و صادرات استانهای بوشهر، خوزستان، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، و فارس طی سالهای ۱۳۶۵-۷۰ می‌باشد. جدول ۳ نیز نشان‌دهنده ارقام صادرات و واردات، به تفکیک استان و سال می‌باشد. بانگاهی به نمودار ۲ مشخص می‌گردد، که بیشترین میزان واردات طی سالهای فوق، متعلق به استان بوشهر، و کمترین آن متعلق به استان فارس بوده و همچنین بیشترین میزان صادرات نیز متعلق به استان هرمزگان، و کمترین آن مربوط به سیستان و بلوچستان بوده است. استانهای فوق همگی دارای تراز منفی بازرگانی بوده و استان بوشهر با ۷۸ میلیارد ریال و فارس با ۲



مأخذ: جدول ۳.

وصف سیاستهای جدید دولت که شامل آزادسازی در اغلب سطوح اقتصاد و نیز شامل بازرگانی خارجی و نرخ ارز می باشد، عملکرد مرزنشینان را به شدت تحت تأثیر قرار داده و خواهد داد.

به هر صورت در طول سالیان گذشته مرزنشینان، بسیاری از کالاهای مورد نیاز استانهای مرزی را تأمین نموده و توانسته اند برخی از محصولات داخلی را صادر نمایند. اگرچه عمده عملکرد این تعاونیها ناشی از

استانهای فارس و سیستان و بلوچستان، که کمترین میزان مبادله را داشته اند بیشترین فاصله را نیز با سواحل دریا داشته اند. در یک دید کلی تعاونیهای مرزی عمده عملکرد مبادلاتیشان، به دلیل تفاوت قیمت خرید و فروش کالاهای وارداتی آنان بوده است و همان طور که مشاهده شد، عملکرد آنان بیشتر وارداتی بوده و صادرات آنان نیز به صورت حاشیه ای و بیشتر برای تحصیل ارز، جهت تأمین واردات بوده است. با این

شرایط و امکانات خاص زمانی بوده است ولی دارای ماهیت اقتصادی بوده و لذا قابل تسری در سایر زمانها می‌باشد.<sup>۱۱</sup> در شرایط کنونی که تقویت بنیانه‌های تولیدی و متعاقباً صادرات کشور و واردات مواد و کالاهای موردنیاز به‌عنوان رکن مهمی از اقتصاد در نظر گرفته شده است. این گروه میلیونی به‌عنوان بخشی که آشنا به تجارت نیز می‌باشند، می‌توانند به این سمت هدایت شده و یا جایگزین مناسبی پیدا نمایند؛ ولی این امر محتاج کمک دولت در فرایند فعال شدن آنان می‌باشد. مسلماً چنانچه فعالیتهای این گروه میلیونی را کد گردد، اثرات منفی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی آن، مانند گذشته بسیار زیاد بوده و به‌صورت عاملی منفی در جهت رشد و توسعه استانهای مرزی در خواهد آمد.

## عملکرد پيله‌وران

پيله‌وران گروهی از مرزنشینان هستند، که تجارت حرفه و شغل آنان محسوب شده و به‌همین دلیل نیز تفاوتیایی چه از نظر اقلام مجاز مبادلاتی و چه حجم مبادلات با تعاونیهای مرزی دارا می‌باشند. اگرچه مشکلات پيله‌وران در برخی از موارد کمتر از تعاونیها بوده است، ولی به‌لحاظ توان

بالقوه مبادلاتی، این گروه نیز نتوانسته‌اند از پتانسیل خود به‌خوبی استفاده نمایند. متأسفانه این گروه تحت نظارت مستقیم و یا هدایت هیچ ارگان و سازمان مرکزی قرار نداشته و بعضاً تحت تأثیر نیازها، توانها و شرایط خاص استانهای خود قرار گرفته‌اند. که این مسئله جزو مهمترین نقاط ضعف این گروه به‌شمار می‌رود. لذا آمار مبادلات پيله‌وران نه تنها به‌صورت منسجم موجود نبوده، بلکه آمارهای جسته و گریخته‌ای نیز، که در این مورد وجود دارد، بسیار با یکدیگر متفاوت می‌باشد. البته باید اشاره نمود، که ادارات کل بازرگانی استانهای مرزی به‌صورت واحدهای ناقص، معمولاً کمکهایی نظیر ارائه قیمتها در بازارهای خارجی و برخی کمکههای مستقیم و غیرمستقیم دیگر در اختیار پيله‌وران قرار می‌دهند.

در این قسمت به بررسی عملکرد کلی پيله‌وران خواهیم پرداخت. متأسفانه از آمار مبادلات این گروه به‌دلایل فوق، اطلاعات جامعی موجود نبوده و تنها اطلاعات موجود طی سالهای ۱۳۶۶-۶۸ به‌دست آمده است. جدول ۴ الی ۷ نشان‌دهنده ارزش گمرکی و مقدار صادرات و واردات پيله‌وران استانهای بوشهر، هرمزگان، سیستان و بلوچستان و خوزستان در سالهای

۱۳۶۶-۶۸ می باشد<sup>۵</sup>، که تعداد پيله‌وران این استانها و استان آذربایجان غربی جمعاً حدود ۱۲۰۰۰ نفر می باشد. البته به دلیل ماهیت این گونه مبادلات، که شرط اصلی احراز آن دارا بودن حداقل دوسال سابقه خرید و فروش کالا می باشد، تعداد افراد دارای کارت پيله‌وری نیز هر ساله دستخوش تغییر می باشد، و بستگی به سیاستهای دولت و متعاقباً سودآوری معاملات فوق دارد.

چهار استان مذکور طی سالهای فوق صادراتی به میزان ۱۱۵/۲ هزار تن و ارزش ۲۸۲۴ میلیون ریال و وارداتی به میزان ۱۱۹۹ تن و ارزش ۱۶۴۸۰ میلیون ریال داشته اند، همچنین پيله‌وران استان هرمزگان در این سالها با صادراتی به ارزش ۹۳ میلیون ریال بیشترین میزان صادرات را داشته اند. بالاترین میزان واردات نیز به ارزش تقریبی ۸ میلیارد ریال توسط پيله‌وران استان بوشهر انجام شده است. بررسی میزان واردات و صادرات پيله‌وران نشان دهنده تراز منفی بازرگانی طی سالهای مختلف و عملکرد عمدتاً وارداتی آنها می باشد.

در این میان، استانهای خوزستان و بوشهر به ترتیب دارای کمترین و بیشترین میزان

کسری در تراز بازرگانی خود بوده اند. ۱۲ همچنین میزان مبادلات نشان دهنده ۵/۸ برابر بودن واردات نسبت به صادرات می باشد. در این میان پيله‌وران استانهای هرمزگان و خوزستان به ترتیب بالاترین و پایینترین میزان ارزش صادرات را داشته اند. پيله‌وران استانهای بوشهر و خوزستان نیز، به ترتیب بالاترین و پایینترین میزان ارزش واردات را داشته اند.

به جهت ارزیابی عملکرد پيله‌وران، در اینجا ارزش تمام شده یک واحد (کیلو) صادرات و واردات آنان را، محاسبه می کنیم. ارزش یک واحد صادرات پيله‌وران خوزستان، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، و بوشهر به ترتیب ۸۵/۴، ۸۰/۳، ۱۷/۸ و ۵۱/۴ ریال بوده است. که استانهای خوزستان و هرمزگان به ترتیب دارای بالاترین و پایینترین ارزش واحد صادرات بوده اند. به عبارت روشنتر پيله‌وران استان خوزستان هر کیلو صادرات خود را به ۸۵ ریال فروخته اند، در حالی که پيله‌وران هرمزگان کالاهای خود را هر کیلو ۱۸ ریال صادر نموده اند. اگرچه از کالاهای صادراتی اطلاعی در دست نیست، ولی این موضوع می تواند با شرط ثبات نشان دهنده عملکرد

۵ آمار مبادلات پيله‌وران استان آذربایجان غربی طی سالهای فوق در دسترس نبوده است.

بهرتر پيله‌وران استان خوزستان باشد. همچنين ارزش واحد صادرات كل پيله‌وران نشان مي‌دهد، كه به‌طور متوسط هر كيلو صادرات به بهاي ۲۴/۵ ريال فروخته شده است. تبديل قيمت ريالي به دلار وضعيت وخيم فوق را روشتر ترسيم مي‌كند. اگرچه كالاهاي صادراتي پيله‌وران عمدتاً كشاورزي مي‌باشد ولي حتي اين كالاها نيز ارزبري داشته و حتي علي‌رغم اين موضوع، چنين نرخهايي بيانگر ارزش افزوده بسيار ناچيز حاصله مي‌باشد. ارزان بودن كالاهاي داخلي، عملكرد انفرادي، گيرنده قيمت بودن، (Price taker) و صدور بدون هرگونه پردازشي از عوامل مهم چنين پيامدي مي‌باشد.

**مشكلات مرزنشينان باعث شده، تا اين گروه كه مي‌توانند بخش عمده‌اي از بازرگاني داخلي و خارجي استانهاي مرزي و حتي كشور را به عهده داشته باشند، در وضعيت فعلي منفعلانه و دنباله‌رو حوادث روزمره بوده، و فاقد تاثير قابل توجهي بر بازرگاني خارجي باشند.**

ارزش يك واحد واردات پيله‌وران استانها خوزستان، سيستان و بلوچستان، هرمزگان، و بوشهر به ترتيب ۶۴، ۱۱۷/۶، ۶۹/۲ و ۷/۳ ريال بوده است. پيله‌وران سيستان و بلوچستان و بوشهر به ترتيب بالاترين و پايستين قيمت را براي هر واحد واردات خود پرداخته‌اند. قيمت فوق مي‌تواند براي سيستان و بلوچستان به لحاظ بعد مسافت باشد. ارزش واحد واردات كل پيله‌وران نشان مي‌دهد، كه به‌طور متوسط ارزش هر كيلو واردات ۱۴ ريال بوده است. به‌هرحال پيله‌وران طی سالهاي گذشته حجم عمده‌اي از مبادلات استانهاي مرزي را انجام داده‌اند. البته اين امر علي‌رغم پتانسيل بالاي آنان به‌معنای بازدهي مطلوب آنها نبوده است. اين گروه طی سالهاي گذشته از يك طرف كالاهاي صادراتي کشور را به بهايي نازل به فروش رسانده و از طرف ديگر كالاهاي وارداتي را به قيمتهاي بالاتري خريداري نموده‌اند. علل اين امر شامل: عملكرد انفرادي، بي‌خبري از نظامات قيمت در بازارهاي خارجي، عدم انسجام در مقابل تشكيلات منسجم کشورهای طرف معامله و نهايتاً پايين بودن قدرت چانه‌زني مي‌باشد.

جدول ۴: وزن صادرات پيلهوران استانهای جنوبي طی سالهای ۱۳۶۶-۶۸

واحد: كيلو

سال	بوشهر	هرمزگان	سيستان و بلوچستان	خوزستان	جمع كل
۶۶	۲۴۹۹۳۹۵	۳۸۶۲۴۱۷۶	۰۰۰	۳۳۳۶۸۲	۴۱۴۵۷۲۵۳
۶۷	۲۴۴۵۵۳۱	۵۳۶۰۶۲۸۳	۱۱۱۸۹۱۷	۱۴۷۱۳۸	۵۷۳۱۷۸۶۹
۶۸	۱۴۶۴۹۱۴۹	۱۶۷۵۳۹۰	۰۰۰	۱۱۷۳۰۹	۱۶۴۴۱۸۴۸
جمع	۱۹۵۹۴۰۷۵	۹۳۹۰۵۸۴۹	۱۱۱۸۹۱۷	۵۹۸۱۲۹	۱۱۵۲۱۶۹۷۰

جدول ۵: ارزش صادرات پيلهوران استانهای جنوبي طی سالهای ۱۳۶۶-۶۸

واحد: ريال

سال	بوشهر	هرمزگان	سيستان و بلوچستان	خوزستان	جمع كل
۶۶	۴۴۴۶۲۱۶۱۰	۸۰۰۶۰۵۶۵۸	۰۰۰	۳۱۶۱۲۹۷۸	۱۲۷۶۸۴۰۲۴۶
۶۷	۱۳۴۳۴۸۸۱۵	۸۴۸۱۰۶۶۳۷	۸۹۸۳۴۸۱۲	۱۴۹۰۶۵۳۷	۱۰۸۷۱۹۶۸۰۱
۶۸	۴۲۹۵۹۵۴۴۷	۲۶۱۹۷۹۵۶	۰۰۰	۴۵۴۲۹۹۳	۴۶۰۳۳۶۳۹۶
جمع	۱۰۰۸۵۶۵۸۷۲	۱۶۷۴۹۱۰۲۵۱	۸۹۸۳۴۴۸۱۲	۵۱۰۶۲۵۰۸	۲۸۲۴۳۷۳۴۴۳

جدول ۶: وزن واردات پيلهوران استانهای جنوبي طی سالهای ۱۳۶۶-۶۸

واحد: كيلو

سال	بوشهر	هرمزگان	سيستان و بلوچستان	خوزستان	جمع كل
۶۶	۴۰۴۱۸۸۰۹	۴۷۸۱۶۰۷۷	۱۴۶۳۳۵۲	۱۵۸۵۷۴۹	۹۱۲۸۳۹۸۷
۶۷	۹۸۸۳۱۵۷۸۹	۲۱۵۲۹۲۹۶	۱۰۳۳۴۲۶۹	۲۳۳۹۵۳۷	۱۰۲۲۵۸۸۸۸۹
۶۸	۸۸۲۹۲۷۲۱	۲۱۶۳۵۹۹۶	۵۰۵۸۳۲۵	۱۰۵۴۹۰	۸۵۰۹۲۵۳۲
جمع	۱۰۸۷۰۹۷۳۱۹	۹۰۹۸۱۳۶۷	۱۶۸۵۵۹۴۶	۴۰۳۰۷۷۶	۱۱۹۸۹۶۵۴۰۸



جدول ۷: ارزش گمرکی واردات پبله‌وران استانه‌ای جنوبی طی سالهای ۱۳۶۶-۶۸

واحد: ریال

سال	بوشهر	هرمزگان	مستان و بلوچستان	خوزستان	جمع کل
۶۶	۲۲۰۲۰۵۶۰۵۲	۲۵۶۸۱۳۷۸۹۱	۹۸۴۲۹۴۴	۷۴۱۱۷۹۰۰	۴۸۵۴۱۵۴۷۸۷
۶۷	۱۴۹۷۱۱۷۸۹۷	۲۱۷۳۵۴۲۶۲۵	۵۴۶۳۷۴۴۴۹	۱۲۱۵۷۱۳۳۳	۴۳۳۸۶۰۶۳۰۴
۶۸	۴۲۴۶۱۶۲۸۷۳	۱۵۵۲۰۴۵۳۲۰	۱۴۲۶۴۰۵۱۳۰	۶۲۴۲۱۷۳۹	۷۲۸۷۰۳۵۰۶۲
جمع	۷۹۴۵۳۳۶۸۲۲	۶۲۹۳۷۲۵۸۳۶	۱۹۸۲۶۲۲۵۲۳	۲۵۸۱۱۰۹۷۲	۱۶۴۷۹۷۶۱۵۳

مأخذ اصلی: گمرک ایران.

## بررسی کالاهای مبادلاتی تعاونیهای مرزی

تا روند روبه رکود بیشتر فعالیت‌های صادراتی تعاونیها، نه تنها ادامه یافته بلکه تشدید نیز گردد.

این مسئله را می‌توان به وضوح در نمودار ۱ مشاهده نمود. به طوری که مشخص است، از سال ۱۳۶۶ با حذف کالاهای سودآور فوق، از لیست کالاهای مجاز صادراتی مرز نشینان، روند ارزش صادراتی آنان نیز نزولی گشته، به طوری که در سال ۷۰ پایتترین میزان صادرات تحقق یافته است. ادامه این وضعیت قطعاً برای سالهای آتی، عملکرد تعاونیهای مرز نشین را، به عنوان صادرکننده کالا" حذف نموده و عملکرد این گروه از عاملین بازرگانی خارجی را صرفاً" محدود به واردات کالا، آن‌هم کالاهای مصرفی خواهد نمود.

در نهایت اینکه مسائل و مشکلات فوق، باعث رکود فعالیت صادراتی تعاونیها گشته

### الف- کالاهای صادراتی

چنانچه مشخص است کالاهای صادراتی مرز نشینان کالاهای کشاورزی و سنتی است. البته طی سالهای فعالیت تعاونیهای مرز نشین همچنان که در قسمتهای پیشین گفته شد، بیشترین میزان وزنی و ارزشی کالاهای صادراتی متعلق به پسته و کشمش بوده است؛ بنابراین پس از حذف آنها از لیست کالاهای قابل صدور، فعالیت صادراتی تعاونیها دچار رکود نسبتاً شدیدی شده و وجود سایر مسائل و مشکلات این گروه شامل: تغییر قوانین و مقررات، اخذ مجوزهای صادرات، عدم آشنایی به بازارهای مقصد و مبداء، کمی سرمایه، ضعف مدیریت و... باعث گردیده

و در اغلب موارد تنها یک الی دو تعاونی، اقدام به صادرات چند قلم کالا نموده‌اند. برای مثال تعاونیهای مرزنشین هرمزگان (باتوجه به بالاترین عملکرد صادراتی در بین استانهای مرزی جنوبی، توسط مرزنشینان این استان طی سالهای فوق) در سال ۱۳۷۰ تنها خرما و لیمو خشک به ارزش سرانه ۱۱۹۳۵ ریال صادر نموده‌اند، که باتوجه به ۵۰۰۰۰۰ ریال صادرات سرانه مجاز آنها، این رقم بسیار پایین است. ۱۳ همچنین در سال ۱۳۶۸ در استان سیستان و بلوچستان فقط یکی از تعاونیها اقدام به صادرات ۸۵ تن خرما نموده است. مسلماً رکود فعالیت صادراتی تعاونیهای مرزنشینان، از یک سو درآمد این گروه را کاهش داده و از طرف دیگر انگیزه‌های برخی از افراد این تعاونیها را، باتوجه به بیکاری آنان و آشنایی با مبادلات خارجی، جهت حرکت به سمت قاچاق، تقویت خواهد نمود. این مسئله باتوجه به سابقه طولانی قاچاق کالا در مناطق مرزی و آشنایی دیرینه ساکنین با آن سوی مرزهای آبی و خاکی، به هیچ عنوان قابل تردید نیست.

از طرف دیگر با کاهش سودآوری واردات تعاونیهای مرزی و وجود محدودیتهای وارداتی آنان، فعالیتهای

وارداتی آنها نیز متعاقباً در حال کاهش می‌باشد. البته واردات برای مرزنشینان بسیار مهمتر از صادرات می‌باشد. دلیل این امر را می‌توان در سودآوری بیشتر واردات و مسائل و مشکلات کمتر آن در مقابل صادرات، جستجو نمود.

نتیجه اینکه، هرچه زودتر بایستی راه‌حلی برای افزایش صادرات تعاونیهای مرزنشین پیدا نمود، در غیر این صورت چنانچه بخشهای اقتصادی استانهای مرزی نتوانند ایجاد اشتغال و درآمد برای مرزنشینان نمایند، بایستی منتظر عواقب آن از جمله: کاهش واردات و سود آنان، مهاجرت و یا روی آوردن آنها به سمت فعالیتهای قاچاق کالا (و یا مواد مخدر عمدتاً در سیستان و بلوچستان) بود.

### ب- کالاهای وارداتی

شرکتهای تعاونی مرزنشینان مجاز به ورود کالاهای مجاز و مجاز مشروط بر اساس قانون مقررات صادرات و واردات می‌باشند. نظر به اینکه یکی از دلایل اعطاء امتیازات خاص مبادلاتی به مرزنشینان، تأمین نیازهای اولیه زندگی این گروه، و نیز یکی از وظایف تشکیل تعاونیهای مرزی شکستن بازار سیاه مواد غذایی و کالاهای ضروری، در مناطق فوق بوده است. لذا

کالا‌های قابل ورود مرزنشینان معمولاً" کالا‌های مصرفی است، که مورد استفاده زندگی روزمره آنان می‌باشد.

عمده‌ترین اقلام وارداتی تعاونی‌های مرزنشینان در سال‌های گذشته، شامل: برنج خوراکی، روغن نباتی، چای، قند و شکر بوده است.

در سال‌های گذشته دلیل عمده واردات مرزنشینان، تفاوت نرخ ارز بازار آزاد و نرخ رسمی و گرانی کالاها در کشور بوده است. ولی پس از آزادی نسبی بازرگانی خارجی در سال ۱۳۶۸ و سیاست‌های جدید ارزی بانک مرکزی، به صورت ارائه ارز با نرخ‌های نزدیکتر به نرخ بازار آزاد، واردات این گروه روندی نزولی یافته است. البته علی‌رغم این کاهش، اقلام عمده واردات همچنان سهم خود را حفظ نموده‌اند. که دلیل این امر را می‌توان در مصرفی و ضروری بودن این کالاها دانست.

روند نزولی واردات در نمودار ۱ قابل مشاهده است. از طرف دیگر روند تقریباً مستقیم تغییرات واردات و صادرات نیز، بیانگر وابستگی واردات مرزنشینان به صادرات آنان می‌باشد. که این مسئله به دلیل تأمین مقادیری از سرمایه، خرید کالا‌های وارداتی از طریق سود کالا‌های صادراتی است.

همچنین توجه به کالا‌های قابل ورود مرزنشینان نشان می‌دهد، که این کالاها از ۴۴ قلم در سال ۱۳۶۵ به ۳۱ قلم در سال ۱۳۶۶ کاهش یافته است، که این مسئله نیز می‌تواند عاملی در جهت رکود مبادلات آنان باشد.

## بررسی کالا‌های مبادلاتی پيله‌وران

در سال‌های گذشته پيله‌وران مرزنشین می‌توانستند فقط کالا‌های سنتی و مصنوعات صنایع دستی را، که صدور آنها مجاز بوده و یا با صدور آنها موافقت کلی اعلام شده است، با سپردن پیمان ارزی صادر نمایند. (غیر از کالا‌های فرش، عتیقه‌جات، مصنوعات هنری، نقره، طلا و سکه). همچنین کالا‌های مجاز و مجاز مشروط ضروری کشور با مجوز قبلی از اداره کل بازرگانی محل، پس از هماهنگی با ادارات تابعه وزارتخانه‌های صادرکننده و مرکز تهیه و توزیع مربوطه، صادر و وارد می‌شده است. (غیر از کالا‌های ساخت آمریکا، افریقای جنوبی، اسرائیل). همچنین کالا‌های اساسی سهمیه‌بندی شده توسط دولت و وسایل مخابراتی و دستگاه‌های صوتی از شمول این بند مستثنی بوده‌اند.<sup>۱۴</sup>

البته در مورد کالاهای صادراتی و وارداتی پیله‌وران، قوانین دقیقی همانند قوانین مبادلاتی تعاونیهای مرزنشین وجود نداشته است. و چون سعی می‌شده، که پیله‌وران از تولیدات استانهای خود جهت صادرات استفاده نمایند و همچنین نیازهای استان را با واردات خود تأمین کنند، لذا نوع و میزان این مبادلات در استانهای مختلف متفاوت بوده است. ولی محصولات صادراتی پیله‌وران عمدتاً شامل: محصولات محلی کشاورزی، معدنی، و صنایع دستی بوده است و واردات آنها را نیز عمدتاً کالاهای مصرفی ساده، و در برخی از موارد وسایل و مواد مورد نیاز سازمانها و صنایع استان را، تشکیل می‌داده است.

برای مثال در مورد صادرات این گروه، کالاهای زیر را می‌توان نام برد: خرما، پسته، کشمش، زعفران، سنگهای ساختمانی، خشکسبار، محصولات جالیزی و صیفیجات، نمک، آهک و زغال سنگ. همچنین برخی از کالاهای وارداتی آنها به صورت زیر می‌باشد: برنج، روغن، چای، کولر، رادیو ضبط، تلویزیون، یخچال، ماشین لباسشویی، موتور قسایق، لوازم یدکی، ماشین آلات، لاستیک، و لوازم پزشکی.

منظور از عملکرد بالقوه، حداکثر ظرفیت قانونی مبادلات می‌باشد.

مسئله بعد از حذف ارقام پسته، فرش، پوست و سالامبور از لیست کالاهای مجاز صادراتی، فعالیتهای این گروه دچار رکود شدید شده و در استانهای مرزی فوق، اغلب این کارتها به صورت غیرمجاز، به اشخاص دیگر واگذار شده است.<sup>۱۵</sup> همچنین واردات این گروه نیز، از یک سو به دلیل کاهش درآمدهای صادراتی جهت تأمین ارز و از سوی دیگر محدودیت ارقام وارداتی و سودآوری کم آن، کاهش یافته است. همچنین آزادسازی نسبی واردات و کاهش تفاوت نرخ ارز رسمی با بازار آزاد نیز، از جمله عوامل کاهش سودآوری و متعاقباً رکود عملکرد این گروه بوده است.

### عملکرد بالقوه\* و بالفعل تعاونیهای مرزنشین

در اینجا منظور از واردات بالقوه حداکثر مقدار وارداتی است، که در قانون مقررات صادرات و واردات برای مرزنشینان در نظر گرفته شده است. و چنانچه کلیه مرزنشینان از تمام امتیاز خود استفاده نمایند، می‌توانند به مقدار مذکور واردات داشته باشند. برای این منظور بایستی حجم مجاز واردات هر

مرزنشین در تعداد اعضاء مرزنشینان ضرب گردد. که در اینجا مواجه با دونوع واردات بالقوه می شویم؛ یکی واردات باقوه جمعیت ساکن در مناطق مرزی، دوم واردات بالقوه مرزنشینانی که تمایل به مبادله خود را، به صورت عضویت در تعاونیها نشان داده اند. در اینجا با برآورد واردات فوق به تحلیل آنها، باتوجه به عملکرد مبادلاتی مرزنشینان، می پردازیم.

جدول ۸ نشان دهنده کل جمعیت، جمعیت مرزنشین و اعضاء تعاونیهای مرزنشینان استانهای جنوبی کشور، در سالهای ۱۳۶۵ و ۷۰ می باشد. براین اساس تعداد کل جمعیت استانهای فوق در سال ۱۳۶۵، ۸۴۰۱۱۵۴ نفر می باشد. تعداد جمعیت مرزنشین استانهای بوشهر، خوزستان، سیستان و بلوچستان، فارس و هرمزگان نیز، در این سال ۱۹۶۴۰۳۰ نفر می باشد. این درحالی است که تعداد اعضاء مرزنشینان در همین سال، برابر ۵۵۵۷۵۸ بوده است.<sup>۵</sup> این مطلب بدین معنی است، که تمامی جمعیت مرزنشین از مبادلات مجاز خود استفاده نموده اند. در این سال ۲۸/۲ درصد کل مردم مرزنشین، عضو تعاونیها بوده اند. که علت پایین بودن نسبت مذکور

را، می توان در تشکلهای تازه تعاونیها، عدم تشکیل تعاونیها در بعضی از مناطق، عدم آشنایی برخی از مرزنشینان، و عدم کسب سود مناسب برای جذب مرزنشینان دانست. حال به بررسی مسائل مذکور در سال ۱۳۷۰ می پردازیم. در این سال از تعداد دقیق کل جمعیت و همچنین مرزنشین استانهای مرزی جنوبی اطلاع دقیقی نیست. لذا تعداد جمعیت مرزنشین در سال ۱۳۷۰، براساس نرخ رشد جمعیت (۳/۴ درصد) و سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ محاسبه شده است. تعداد اعضاء تعاونیهای مرزنشین در سال ۱۳۷۰ نسبت به سال ۱۳۶۵ رشد قابل ملاحظه ای حدود ۱۷۵ درصد نشان می دهد. در سال مذکور ۶/۶۵ درصد مردم مرزنشین استانهای جنوبی عضو تعاونیهای مرزی بوده اند، که به نسبت سال ۱۳۶۵ نزدیک به ۳۷ درصد رشد نشان می دهد. و این درحالی است، که جمعیت مرزنشین این استانها تنها ۱۸ درصد رشد داشته است، که نشان دهنده استقبال مردم مناطق مرزی، از عضویت در تعاونیها بوده است. درین استانهای مرزی جنوبی تعداد اعضاء تعاونیهای هرمزگان به جمعیت مرزنشین آن در سال ۱۳۷۰ با ۳/۹۹ درصد

۵ پس از احاط نمودن بعد خانوار کل جمعیت تحت پوشش تعاونیهای مرزنشین محاسبه شده است.

و استان سیستان و بلوچستان با ۶۱/۸ درصد، به ترتیب بالاترین و پایینترین نسبت فوق را به خود اختصاص داده‌اند. می‌توان دلیل عمده بالا بودن نسبت مذکور در استان هرمزگان را، در تأسیسات مجهز تخلیه و بارگیری بندرعباس و هزینه‌های پایتتر حمل و نقل نسبت به سایر استانها و در نتیجه عملکرد و سود بالاتر تعاونیهای این استان دانست. در بخش تعاونیهای استان هرمزگان نیز مشاهده گردید، که بهترین عملکرد را تعاونیهای این استان، در مقایسه با سایر استانها داشته است. به طوری که بالاترین حجم و سرانه ارزش صادرات، متعلق به تعاونیهای هرمزگان بوده، در حالی که ارزش کل واردات و سرانه آن در این استان، کمتر از استان بوشهر بوده است. دلایل پایین بودن نسبت اعضاء تعاونیها به جمعیت مرزنشین در استان سیستان و بلوچستان را نیز عمدتاً می‌توان ناشی از مسائلی همچون دوری بسیاری از تعاونیهای استان به بندر چابهار، هزینه‌های بالاتر حمل و نقل، رواج قاچاق کالا و مواد مخدر (خصوصاً به دلیل شرایط کشورهای پاکستان و افغانستان) به عنوان درآمد اصلی گروه قابل توجهی از مرزنشینان این استان دانست.

همچنان که در آخرین ستون جدول ۸ مشخص است، درصد کل اعضاء تعاونیها به

جمعیت مناطق مرزی ۶/۶۵ درصد است. این شاخص اگرچه به نسبت سال ۱۳۶۵ (۲۸/۲ درصد) رشد بسیاری نموده است ولی هنوز نشان‌دهنده عدم عضویت گروه قابل توجهی از مرزنشینان در تعاونیها می‌باشد. دلایل عمده پایین بودن نسبت مذکور را می‌توان در عدم سکونت یکساله برخی از افراد، عدم احراز شرایط عضویت در تعاونیها، کارمندان دولت، عدم تشکیل تعاونیهای مرزی در همه نقاط، وجود پیله‌وران و تجار، و در نهایت عدم جذابیت تعاونیها برای مردم به دلایل مختلف دانست. حال با توجه به مطالب فوق به بررسی واردات بالقوه مرزنشینان می‌پردازیم. مشخص گردید که تعداد جمعیت مرزنشین در سال ۱۳۷۰ رقمی حدود ۲۳۲۱۴۰۴ نفر می‌باشد. با توجه به سقف ارزش مبادلاتی مرزنشینان، که برای مناطق درجه یک، ۱۰۰۰۰۰ ریال، درجه دو ۸۰۰۰۰ ریال و درجه سه ۵۰۰۰۰ ریال می‌باشد و به دلیل عدم تشخیص دقیق ساکنین این مناطق و کمی ساکنین مناطق درجه یک به نسبت سایر مناطق، متوسط ارزش مبادلاتی را ۷۰۰۰۰ ریال در نظر می‌گیریم.

بنابراین با توجه به اینکه هر فرد مرزنشین می‌تواند ۷۰۰۰۰ ریال در سال واردات و همین مقدار نیز صادر نماید، از

جدول ۸- جمعیت، جمعیت مرزنشین و اعضاء تعاونیهای مرزنشین استانهای جنوبی کشور در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰

نام استان	جمعیت (۱۳۶۵)	جمعیت مرزنشین (۱۳۶۵)	اعضاء تعاونیهای مرزنشین (۱۳۶۵)	جمعیت (۱۳۷۰)	اعضاء تعاونیهای مرزنشین (۱۳۷۰)	درصد اعضاء تعاونیها به جمعیت (۱۳۷۰)
بوشهر	۵۷۸۵۵۶	۶۱۵۲۴۶	۳۸۵۲۰۴	۷۰۳۲۸۵	۵۰۵۱۳۴	۷۱/۸
خوزستان	۲۷۰۲۵۳۳	۴۷۵۷۸۵	۷۴۲۸۲	۵۴۳۸۶۸	۲۱۴۲۶۳	۳۹/۳
سیستان و بلوچستان	۱۲۰۵۹۸۰	۵۱۲۹۳۶	۴۰۲۱۶	۶۰۶۲۶۹	۳۷۵۱۱۵	۶۱/۸
فارس	۳۱۵۰۷۱	۸۵۵۱۷	۲۵۵۱۱	۱۰۱۰۸۹	۹۷۹۳۷	۹۶/۸
هرمزگان	۷۶۰۰۱۴	۲۷۴۵۳۶	۳۰۵۴۵	۳۲۴۴۹۰	۳۲۲۳۶۳	۹۹/۳
کل	۸۴۰۱۱۵۴	۱۹۶۴۰۳۰	۵۵۵۷۵۸	۲۳۲۱۴۰۴	۱۵۲۴۸۱۲	۶۵/۶

مأخذ: - سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵

- ادارات کل تعاونی استانهای مرزی جنوبی

- وزارت تعاون

تعاونیهای مرزنشین را در سال ۱۳۷۰، با توجه به ۱۵۲۴۸۱۲ نفر عضو و ۷۰۰۰۰۰ ریال متوسط مبادله محاسبه نمایم، رقم ۱۰۶۷۳۶ میلیون ریال به دست می آید. بدین معنی که تعاونیهای مرزی در سال ۱۳۷۰ می توانستند واردات و صادراتی به ارزش فوق داشته باشند.

ضرب این رقم در جمعیت مرزنشین، می توان حداکثر ارزش مبادلاتی آنان را محاسبه نمود. این رقم برای سال ۱۳۷۰ برابر ۱۶۲۴۹۸ میلیون ریال خواهد بود. بدین معنی که، کلیه جمعیت مرزنشین می توانستند این میزان واردات و به همین اندازه صادرات داشته باشند.\* حال اگر بخواهیم واردات بالقوه اعضاء

\* در اینجا فرض شده است کلیه جمعیت مرزنشین دارای شرایط عضویت در تعاونیهای مرزی بوده اند.

جالب آنکه علی‌رغم تواناییهای بالقوه این گروه از بازرگانی خارجی، کلیه تعاونیهای مرزنشین در سال ۱۳۶۹ تنها ۳۶۴۵ میلیون ریال صادرات و ۱۸۷۴۷ میلیون ریال واردات داشته‌اند.\* اگر همین ارقام را برای سال ۱۳۷۰ منظور نماییم، ارقام فوق بدین معنی خواهد بود، که جمعیت مرزنشین تنها از ۲/۳ درصد ظرفیت صادراتی و ۱۱/۹ درصد ظرفیت وارداتی خود استفاده نموده‌اند، و ارزش سرانه صادرات و واردات آنها به ترتیب ۱۵۷۰ و ۸۰۷۷ ریال بوده است.

چنانچه بخواهیم در این تحلیل از تعاونیهای مرزنشین (یعنی جمعیت مرزنشین استفاده‌کننده از مبادلات) استفاده کنیم، نحوه عملکرد بدین معنی خواهد بود، که تعاونیهای مرزنشین تنها از ۳/۵ درصد توان صادراتی و ۱۷/۵ درصد توان وارداتی خود بهره‌جسته‌اند. اگرچه این محاسبه کمی وضعیت را بهتر جلوه می‌دهد، ولی برای اینکه بتواند انتظارات را از عملکرد مبادلاتی این گروه برآورده نماید، به‌هیچ‌وجه کافی نیست، و بیانگر ارزش سرانه صادرات و واردات، به ترتیب برابر ۲۳۹۰ و ۱۲۳۰۱ ریال می‌باشد، که با توجه به

سرانه قانونی آنها (برابر با ۷۰۰۰۰ ریال) بسیار پایین می‌باشد.

در اینجا می‌خواهیم عملکرد بالقوه مبادلاتی مرزنشینان را، نسبت به کل مبادلات بازرگانی کشور، مورد سنجش قرار دهیم. چنانچه صادرات مرزنشینان را در نظر بگیریم، مشخص می‌باشد، که تماماً شامل کالاهای کشاورزی می‌باشد. حال اگر صادرات بالقوه اعضاء تعاونیها را، در سال ۱۳۶۹ به ارزش ۱۰۶۷۳۶ میلیون ریال در نظر بگیریم، این رقم ۱۷ درصد بیشتر از کل صادرات غیرنفتی در این سال (به ارزش ۹۱۲۳۱ میلیون ریال) و ۲۲۷ درصد بیشتر از صادرات فرآورده‌های کشاورزی (۳۲۶۶۵ میلیون ریال) می‌باشد. علی‌رغم توان مذکور، وضعیت مبادلات تعاونیها در سال ۱۳۶۹ مبنی بر صادرات تنها ۳۶۴۵ میلیون ریال کالا یعنی حدود ۴/۴ درصد کل صادرات و ۱۱/۱ درصد کل صادرات کشاورزی بوده است.

صادرات بالقوه جمعیت مرزنشین نیز ۷۸ درصد بیشتر از کل صادرات غیرنفتی و ۳۹۷ درصد بیشتر از کل صادرات فرآورده‌های کشاورزی می‌باشد.

\* استفاده از آمار صادرات و واردات سال ۱۳۶۹، به جهت ناقص بودن آمار سال ۱۳۷۰ می‌باشد.



تشکیلات و مدیریت و سایر مشکلات، در وضعیت کنونی قادر به بهره‌گیری حداکثر، از امکانات بالقوه خود نمی‌باشد، و با وجود همجواری با چندین کشور و نزدیکی به کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس و دسترسی به آبهای آزاد بین‌المللی، حیطة فعالیت آنان اغلب محدود به واردات گشته است.<sup>۱۹</sup>

**سازمان و بافت مرزنشینان، که عمدتاً ناشی از شرایط خاص دوران قبل است، اینک بایستی در چارچوب اهداف، سیاستها، و الزامات رشد و توسعه جدید منطقه‌ای و ملی تعریف گردد.**

لازم به ذکر است که مقایسه عملکرد مبادلاتی بالقوه و بالفعل پيله‌وران، به دلیل متغیر بودن هر ساله این گروه غیرممکن بود. ولی با توجه به توضیحات در قسمت عملکرد پيله‌وران، مشخص گردید، که این گروه نیز، بسیار پایتتر از سرانه مبادلاتی بالقوه خود عمل نموده‌اند.

### خلاصه و نتیجه‌گیری

مبادلات تعاونیهای مرزنشین تا سال ۱۳۶۶ حاکی از روندی افزایشی بوده است.

حال اگر همین وضعیت را برای واردات در نظر بگیریم، نسبت توان بالقوه وارداتی جمعیت مرزنشین (۱۶۲۴۹۸ میلیون ریال) به واردات کل، به ارزش ۱۲۶۱۶۵۲ میلیون ریال در سال ۱۳۶۹، برابر با ۱۳ درصد می‌باشد. این نسبت برای توان بالقوه تعاونیهای مرزنشین به واردات، برابر با ۸/۴ درصد خواهد بود. علی‌رغم توان مذکور، تعاونیهای مرزنشین در سال ۱۳۶۹ تنها اقدام به واردات ۳۴۷۷۸ میلیون ریال کالا نموده‌اند یعنی تعاونیهای مرزنشین تنها ۲/۷۵ درصد واردات را به خود اختصاص داده‌اند و از باقی‌مانده توان وارداتی خود نتوانسته‌اند استفاده نمایند.

در نهایت اینکه تفاوت فوق‌العاده میان عملکرد و توان بالقوه تعاونیهای مرزنشین در سالهای دیگر نیز وجود داشته و حتی وضعیتهای بدتری را نیز به تصویر می‌کشد. این مطلب درحالی است، که صادرات این گروه درحال روندی شدیداً نزولی می‌باشد. و تأثیر عوامل متعدد باعث شده تا این گروه که میتوانند، بخش عمده‌ای از بازرگانی داخلی و خارجی استانهای مرزی جنوبی کشور محسوب شوند، در وضعیت فعلی، دنباله‌رو حوادث و تغییرات روزمره بوده و فاقد تأثیر قابل توجه بر عملکرد بازرگانی مناطق فوق باشند. این شبکه به دلیل ضعف

ولی از این سال به بعد به دلیل حذف پسته، کشمش، و زعفران، که بخش اعظم صادرات آنان را تشکیل می‌داد، فعالیت آنان دچار رکود گردید. و ناگهان از ۸ میلیارد ریال به ۳ میلیارد ریال (یعنی به میزان ۶۲/۵ درصد) کاهش یافت. که این کار بلافاصله اثر خود را در کاهش واردات آنان، از ۴۱ میلیارد ریال به ۳۰ میلیارد ریال (یعنی ۲۶ درصد کاهش) نشان داد.

ارزش مبادلاتی تعاونیها طی سالهای ۱۳۶۵-۷۰ روندی نزولی داشته و در سال ۱۳۷۰ به پایینترین میزان خود رسیده است. طی این سالها، ۱۵/۲ درصد از حجم مبادلات، به ارزش ۲۹ میلیارد ریال به صادرات و ۸۴/۸ درصد آن به ارزش ۱۶۲ میلیارد ریال به واردات، اختصاص داشته، که بیانگر ۵/۵ برابر بودن واردات نسبت به صادرات می‌باشد.

بررسی مبادلات نشان می‌دهد، که عملکرد تعاونیهای مرزی، بیشتر متأثر از موقعیت و امکانات استانهای آنان بوده است. برای مثال استانهای فارس و سیستان و بلوچستان، که کمترین میزان مبادله را داشته‌اند، بیشترین فاصله را نیز با سواحل دریا دارا بوده‌اند. به‌ر شکل در طول سالیان گذشته تعاونیهای مرزنشین، بسیاری از

احتیاجات استانهای مرزی و حتی سایر استانها را فراهم کرده و برخی از محصولات داخلی را صادر نموده‌اند. اگرچه عملکرد آنان بیشتر ناشی از شرایط خاص زمانی بوده ولی اهداف مترتب بر آن، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی بوده است، و لذا قابل پیگیری در سایر زمانها و شرایط می‌باشد.

پيله‌وران نیز مرزنشینی هستند، که به امر تجارت اشتغال دارند؛ لذا به همین دلیل تفاوتهایی چه از نظر اقلام مجاز مبادلاتی و چه حجم آن با تعاونیها دارا می‌باشند. این گروه که تحت نظارت مستقیم ارگان و یا سازمان مرکزی قرار ندارند؛ بیشتر تحت تأثیر نیازها، توانها و شرایط خاص کوتاه‌مدت استانهای خود قرار گرفته و نتوانسته‌اند از پتانسیل خود به‌خوبی استفاده نمایند.

البته ادارات کل بازرگانی استانهای مرزی، بیشترین ارتباط را با پيله‌وران، به‌لحاظ ارائه قیمت‌های داخلی و خارجی کالاها و برخی خدمات مشورتی دارند. با این حال از آمار مبادلاتی این گروه اطلاعات یکسان و جامعی موجود نبوده و تنها اطلاعات موجود مربوط به سالهای ۱۳۶۶-۶۸ می‌باشد. تعداد پيله‌وران که در استانهای مربوطه فعالیت دارند حدود

۱۲۰۰۰ نفر می‌باشد. (البته از سال ۱۳۷۰ استانیهای خراسان، مازندران، گیلان و آذربایجان شرقی نیز، اقدام به صدور کارت پیلهوری نموده‌اند)، که این تعداد نیز به دلیل ماهیت پیلهوری هر ساله دستخوش تغییر می‌باشد.

در بین پیلهوران چهار استان جنوبی، هرمزگان طی سالهای فوق با صادراتی به ارزش ۹۳ میلیون ریال بیشترین میزان صادرات را داشته است. بالاترین میزان واردات نیز به ارزش تقریبی ۸ میلیارد ریال توسط پیلهوران بوشهر انجام شده است. عملکرد مبادلاتی پیلهوران نشان‌دهنده تراز منفی بازرگانی آنان طی سالهای فوق و چهره عمدتاً وارداتی آنان می‌باشد.

پیلهوران علی‌رغم اینکه حجم قابل ملاحظه‌ای از مبادلات استانیهای مرزی را انجام دادند، ولی در عمل باتوان بالقوه خود فاصله زیادی داشته‌اند. این گروه در سالهای گذشته از یک سو کالاهای صادراتی را به بهایی نازل به فروش رسانده و از سوی دیگر کالاهای وارداتی را با قیمتهای بالایی خریداری نموده‌اند.

به‌هرجهت پیلهوران و تعاونیهای مرزی، در شرایطی که تجارت بین‌الملل براساس آخرین یافته‌های علمی انجام می‌گیرد، هنوز به شیوه انفعالی و سنتی عمل

می‌کنند، و عملکرد این دو گروه بعضاً تحت تأثیر نیازها، توانها و شرایط خاص استانیهای مرزی قرار گرفته است. وجود مسائل و مشکلات خاص این گروهها باعث شده، تا حجم مبادلات آنان، خصوصاً صادراتشان کاهش شدید یافته و در برخی از استانها حتی به صفر برسد، که اثرات چنین وضعی باعث تعمیق بحرانهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این مناطق خواهد شد.

باتوجه به موارد گفته شده، مسائل و مشکلات مرزنشینان (تعاونیهای مرزنشین و پیلهوران) را می‌توان شامل موارد زیر دانست. پراکندگی و عدم هماهنگی، مسائل مربوط به آمار و اطلاعات، مشکلات قانونی، تغییر قوانین، قاچاق کالا، کمبود امکانات، بی‌برنامگی در صادرات و واردات، مشکلات مدیریتی، کمبود سرمایه، محدودیت اقلام وارداتی و صادراتی، سیاستهای تعدیل اقتصادی، کمبود امکانات استانها و بسته‌بندی و عملکرد انفرادی (درمورد پیلهوران)، و مجزا عمل نمودن تعاونیهای مرزی در استانها.

علی‌رغم وجود مسائل و مشکلات متعدد، مرزنشینان توانسته‌اند اثرات مثبت و درخور توجهی بر استانیهای مرزی بگذارند.

باشند و آنان را به مثابه یکی از عوامل مهم در رشد و مبادلات بازرگانی و استانیهای مرزی بدانند، که مطمئناً بیشترین نقش را وزارت تعاون (درمورد تعاونیهای مرز نشین) و وزارت بازرگانی (درمورد پيلهوران) خواهند داشت.

علاوه بر این، فرصت کم نظیری جهت توسعه مبادلات مرزی به دلایل صلح بین ایران و عراق، آرامش نسبی در افغانستان، بهبود روابط با کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس و پیدایش چهار همسایه جدید (ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان و نخجوان) و تشکل جدید اکو به وجود آمده است. لذا چنین فرصت کم نظیری را به سرعت شناسایی و از آن بهره برداری نمود. مسلماً این شرایط جدید، گروه جدیدی از مرز نشینان را نیز به وجود خواهد آورد و این موضوع در حالی است که مبادلات مرز نشینان قدیمی در حال رکود می باشد. لذا تسهیلات و قوانین و مقررات جدید بایستی به گونه ای باشند، که ساماندهی مبادلات مرزی را در پیش داشته و اثرات دیگری مانند تحکیم روابط با کشورهای همسایه و حرکت به سمت اهداف بلندمدت رشد و توسعه کشور را در پی داشته باشند.

که اهم آن به این شرح می باشد: استفاده مرز نشینان از مزایای قانون فوق، کالارسانی به افراد منطقه، مبارزه با گرانی و تورم مواد غذایی، بهبود وضع مردم از طریق تأمین درآمد، کم کردن مشکلات دولت در زمینه رساندن کالا به این مناطق، صدور کالاهای داخلی به خارج، تقویت اعتماد مردم منطقه نسبت به دولت جمهوری اسلامی ایران و خنثی شدن تبلیغات سوء بیگانگان خصوصاً کشورهای همجوار، ایجاد تحرک در منطقه به جهت مبادلات، جلوگیری از مهاجرت، سوق دادن مرز نشینان از قاچاق به سمت یک فعالیت سالم و مثبت، تجمع و تشکل مرز نشینان (درمورد تعاونیها)، و ایجاد روحیه تعاون میان اهل تشیع و تسنن منطقه.

با توجه به موارد گفته شده، لزوم تمرکز سازمانی، و گسترش عملکرد پيلهوران و تعاونیهای مرز نشین، به جهت تأثیرات مثبت آنان الزامی است. این تمرکز و رشد و توسعه عملکرد مرز نشینان، که مطمئناً بایستی با مشارکت مستقیم دولت صورت پذیرد، صرفاً نبایستی به معنای افزایش در ارزش و مقدار مبادلات این گروه تلقی شود. بلکه سازمانهای مربوطه بایستی از نگرش حاشیه ای و منفعلانه به این گروه بر حذر

۲، ۳ و ۴ پيله‌وران و مرزنشینان، می‌توانند هماهنگ با یکدیگر اقدام به تجارت نمایند و با خرید عمده کالا از مراکز اصلی تولید در داخل و خارج کشور و تمهیدات مشترک درجهت کاهش هزینه‌ها (شامل انبارداری، حمل و نقل، سردخانه و...) و برنامه‌ریزی جهت فروش کالاهای وارداتی و صادراتی، ارزش افزوده بیشتری را نصیب خود نمایند و به مثابه یک عنصر فعال و پویا در بازرگانی خارجی مطرح گردند.

۶- در صورت تحقق امر فوق، امکان ایجاد تأسیسات مشترک همانند بسته‌بندی، ایجاد انبار و سردخانه و سایر امکانات مورد نیاز به راحتی میسر خواهد بود.

۷- ایجاد تسهیلات بیشتر قانونی جهت جلوگیری از رکود مبادلات از جمله افزایش حجم مجاز مبادلاتی، حذف گمرک خاص جهت مبادله برای پيله‌وران، رفع و یا کاهش محدودیت کالاهای مبادلاتی، واگذاری برخی اختیارات به ادارات کل مربوطه در استانها، جهت تسریع امور و جلوگیری از تعدد مراکز تصمیم‌گیری خصوصاً در مورد قوانین و مقررات و بخشنامه‌های صادراتی

۸- حل مشکل تأمین سرمایه برای تعاونیهای مرزنشین (ودر صورت تحقق، تعاونیهای پيله‌وری) به صورت وام، اعتبارات صادراتی و...

جهت رفع مسائل و مشکلات مرزنشینان و رشد و توسعه عملکرد آنان پیشنهادات زیر به صورت خلاصه ارائه می‌گردد:

۱- تجدید سازمان و سالم‌سازی بافت تعاونیهای مرزنشین و پيله‌وران، که عمدتاً ناشی از شرایط خاص اقتصادی-سیاسی قبل بوده، در چارچوب اهداف، سیاستها، و الزامات رشد و توسعه جدید منطقه‌ای و ملی کشور

۲- تشکیل تعاونی (وهمچنین اتحادیه تعاونیهای پيله‌وری در صورت لزوم) در استانهای مرزی جهت هماهنگی و تبادل بیشتر و بهتر اطلاعات تجاری و تمرکز عملیات بازرگانی آنان

۳- تشکیل اتحادیه‌های مرکزی مرزنشینان و پيله‌وران زیر نظر وزارتخانه‌های تعاون و بازرگانی، جهت هماهنگی میان کلیه اتحادیه‌های استانهای مرزی

۴- ایجاد بانک اطلاعاتی در هر استان جهت جمع‌آوری اطلاعات در مورد امکانات و نیازهای هر استان و کشورهای همجوار، و تبادل اطلاعات مابین بانکهای اطلاعاتی استانها

۵- مطمئناً در صورت اجرای بندهای

۹- واگذاری غرفه به پیلهوران در بازارچه‌های مرزی

۱۰- ایجاد مناطق آزاد تجاری مرزی (صورتی متکامل از بازارچه‌های مرزی)، به صورتی که بتواند در جهت رشد و توسعه بلندمدت کشور، باعث رقابتی شدن بازرگانی خارجی شده و در طول زمان با

شناساندن مزیت‌های نسبی ما و کشور همجوار، پیوندهای بازرگانی خارجی ما را منطقی و مستحکم سازد. که مسلماً "رفع بسیاری از مشکلات مرزنشینان (عمدتاً" در استانهای دارای مرز خاکی) در قالب چنین مناطقی امکان پذیر خواهد بود.<sup>۱۷</sup>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- ۱- دفتر هماهنگی و پیگیری مصوبه و طرحهای توسعه محور شرق، طرح ایجاد بازارچه مشترک مرزی (استان سیستان و بلوچستان)، (تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹)، ص ۱.
- ۲- پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸-۷۲ (تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹)، ص ص ۸-۱۳.
- ۳- دفتر هماهنگی و پیگیری مصوبه و طرحهای توسعه محور شرق، طرح تجارت ویژه، (تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸)، ص ۵۵.
- ۴ و ۵- پدا... مختاری، وضعیت تعاونیهای مرزنشین استان بوشهر، (تهران: وزارت تعاون، ۱۳۷۱)، ص ۱.
- ۶- مکیه گرمسیری، وضعیت تعاونیهای مرزنشین استان بوشهر، (بوشهر، اداره کل برنامه و بودجه، ۱۳۶۸).
- ۷- آئین نامه تشکیل تعاونیهای مرزی، (تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور، ۱۳۶۱).
- ۸- قانون مقررات صادرات و واردات و آئین نامه اجرایی آن، (تهران: وزارت بازرگانی، ۱۳۶۷).
- ۹- خسرو نورمحمدی، بررسی طرح ایجاد مناطق ویژه تجارت مرزی، بررسی موردی در استان سیستان و بلوچستان، (رساله فوق‌لیسانس)، (تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۱)، ص ص ۷۳-۷۵.
- ۱۰- پیشین، ص ص ۶۹-۷۰.
- ۱۱- معاونت اقتصادی، نحوه فعالیت پله‌وران در نقاط مرزی کشور، (تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۶۸)، ص ۱.
- ۱۲- ارزش مبادلات پله‌وران براساس ارزش گمرکی بوده و لذا این موضوع می‌تواند توجیه‌کننده برخی از شبهات آماری باشد.
- ۱۳- وزارت تعاون، آمار مبادلات تعاونیهای مرزنشین هرمزگان در سال ۱۳۷۰، (تهران: وزارت تعاون، ۱۳۷۱).
- ۱۴- مأخذ ۸.
- ۱۵- مأخذ ۹، ص ۷۷.
- ۱۶- دفتر مطالعات توسعه محور شرق، سیستان و بلوچستان، صنعت، معدن و بازرگانی (تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۷)، ص ۳۲.
- ۱۷- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:
  - خسرو نورمحمدی، "مناطق آزاد تجاری مرزی"، ماهنامه بررسیهای بازرگانی، سال هفتم، شماره ۸۳ (فروردین ۱۳۷۳)، ص ص ۶-۲۸.
  - خسرو نورمحمدی، طرح بازارچه مشترک مرزی در استان سیستان و بلوچستان، (تهران: معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۶۹).